

تشخیص استعاره‌های زبان‌شناختی با استفاده از

MIPVU

امیر احمدی^۱

چکیده

از آنجایی که در تحلیل استعاره‌های مفهومی با تمام نقاط قوتی که برای آن می‌توان متصور شد روشی علمی بر پایه کمیت‌های تجربی وجود نداشته است و تحلیل استعاره‌ها بر پایه پیکره‌های زبانی روندی نوین در پژوهش‌های معنی‌شناسی‌شناختی محسوب می‌شود، گروهی از زبان‌شناسان شناختی بر آن شدند تا با ارائه مدلی دقیق و علمی به تحلیل معنی استعاری بپردازند و از این طریق بتوانند شکاف بین علوم اجتماعی، علوم شناختی و علوم انسانی را پر نمایند. این گروه از متخصصان در زمینه تحلیل استعاره مدلی را در سال ۲۰۰۷ با نام MIP معرفی نمودند و پس از آن مدل MIPVU نسخه اصلاح شده آن معرفی شد. در این مختصر ابتدا پس از معرفی و ارائه پیشینه این روش با ارائه نمونه‌هایی از زبان فارسی سعی در سنجش کارایی این روش خواهیم داشت.

واژه‌های کلیدی: معنی‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، MIPVU.

۱- طرح مسئله

موضوع استعاره از زمان چاپ آثاری چون آرتونی (۱۹۷۹ [۱۹۹۳])، *استعاره و تفکر*^۲ و لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، *استعاره چیزی که با آن زندگی می‌کنیم*^۳ کانون مطالعات فراوانی در رشته‌هایی چون روان‌شناسی، زبان‌شناسی، فلسفه، شعرشناسی، تاریخ، مردم‌شناسی، مطالعات تحلیل گفتمان و دیگر رشته‌ها قرار گرفت. از سال ۱۹۸۶ مجله علمی *استعاره و نماد*^۴ منتشر شد و در سال ۲۰۰۶ جامعه علمی شاهد تأسیس «انجمن علمی مطالعات و کاربردهای استعاره»^۵ بود. پس از آن، حاصل آخرین

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

aemeer@hotmail.com

^۲ - Metaphor and thought by Ortony

^۳ - Metaphors we live by

^۴ - Metaphor and Symbol (Metaphor and Symbolic Activity)

^۵ -Scholarly association for Researching and Applying Metaphor (RaAM)

تحقیقات مربوط به استعاره در کتاب *راهنمای استعاره و تفکر دانشگاه کمبریج*^۱ در سال ۲۰۰۸ توسط گیبس^۲ به چاپ رسید که مطالب گسترده‌ای از موارد نظری، تجربی و کاربردی در باب استعاره را در برمی‌گرفت و با تصور سنتی که استعاره را نابهنجار، آشفته، تزئینی و تصنعی می‌پنداشت به طرق گوناگون مقابله کرد و نشان داد که استعاره در تجربه بشری از اهمیت بالایی برخوردار است (استین^۳ و دیگران، ۲۰۱۰: ۲). یکی از پیشرفت‌های عمده در مطالعات مربوط به استعاره در سال‌های اخیر، مربوط به تشخیص و تبیین زبان استعاری گفتمان‌ها می‌باشد. مثال‌های منفرد ساخته شده که اغلب در تحقیقات زبان‌شناختی دیده می‌شود و یا توسط روان‌شناسان برای اهداف تجربی‌شان ابداع می‌شود مواد مهمی برای مطالعه ساختار و کارکردهای استعاره فراهم آورده است (پرگلجاز^۴، ۲۰۰۷: ۲). اما آنچه محققان حوزه استعاره را به خود مشغول داشته نوعی از استعاره است که سخنگویان یا نویسندگان در متون و بافت‌های مختلف آنها را تولید می‌کنند و به اصطلاح آن را استعاره‌های طبیعی^۵ می‌نامند (همانجا).

آنچه محققان این زمینه را با مشکل مواجه کرده است تشخیص استعاری بودن یک سازه، لغت و یا یک بند است، آنها در تشخیص استعاری بودن یک سازه زبانی بسته به چارچوب نظری خود و یا اهداف تحقیقشان متون گوناگونی را مورد مطالعه قرار می‌دهند (پرگلجاز، ۲۰۰۷: ۳). در این مختصر سعی بر آن است تا روشی نو جهت تشخیص استعاری بودن واحدهای زبانی معرفی شود.

۲- پیش‌زمینه

حوزه فعالیت زبان‌شناسی شناختی، کاربردی نظریه زبان‌شناختی بر زبان روزمره است. در رویکردهای سنتی به استعاره، استعاره را ذاتاً «امری زبانی»^۶ در نظر می‌گیرند و عقیده بر آن است که کاربرد استعاره، صرفاً در اشعار و تاکیدهای بلاغی است و در حقیقت این رویکرد را می‌توان «الگوی اثبات‌گرایی منطقی»^۷ نامید (کامرن^۸ و لو^۹، ۱۹۹۹: ۷۸). در دو دهه آخر قرن بیستم رویکرد جدیدی به استعاره به وجود آمد، که استعاره را فراتر از امری زبانی در نظر می‌گیرد، کتاب مینابی که رویکرد مفهومی به استعاره دارد، کتابی است با نام *استعاره چیزی که با آن زندگی می‌کنیم* نوشته لیکاف و جانسون، در این کتاب استعاره به

¹- Cambridge Handbook of Metaphor and Thought

²- R.W. Gibbs

³-G.J. Steen

⁴- Pragglejaz

⁵- Metaphor in the wild

⁶- Matter of language

⁷- Logical positivist paradigm

⁸- L. Cameron

⁹- G. Low

مثابه «امری ذهنی»^۱ تلقی می‌شود. در این رویکرد استعاره بیشتر به مثابه نگاشت مفهوم‌های ذهنی است. در این رویکرد برای تشخیص استعاره‌های مفهومی نیاز به تفسیرهای فراوان است. لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) چندین استعاره مفهومی عام^۲ ارائه کرده‌اند که در حقیقت بیانگر مفاهیم بسیار پایه‌ای و گسترده است. بسیاری از استعاره‌های مفهومی که در قالب‌های گوناگون زبان‌شناسی بیان می‌شود از نوع استعاره‌های مفهومی عام هستند. با این وجود همانطور که انتظار می‌رود حتی نظریه استعاره مفهومی با تاکید بر کاربرد زبان در صدد بسط و تاییدهای تجربی است (همان: ۷۹). به هر حال نظریه استعاره مفهومی به اندازه کافی «توانایی» تشخیص [...] موارد زبان‌شناختی خاص را ندارد (استین و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۶-۱۵). بر این اساس می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که برای تجزیه و تحلیل استعاره باید از رویکردهای چندگانه‌ای بهره جست. به هر حال هر رویکردی کانون توجه متفاوتی نسبت به دیگر رویکردها دارد. برخی واژگان، برخی دستور و برخی سطوح معنایی را مورد مطالعه قرار می‌دهند (ویف^۳، ۲۰۱۰: ۸). کامرون (۱۹۹۰) و استین و دیگران (۲۰۱۰: ۱۵) معتقدند که رویکرد مفهومی که «الگوهای زیربنایی تفکر استعاری را می‌نمایاند» لازم است تا در وهله نخست، استعاری بودن را در زبان روزمره تعریف نماید. به هر روی شناسایی و تعریف مفهوم استعاره زبان‌شناختی^۴ [...] ماهیتی مشخص و ملموس‌تر نسبت به استعاره مفهومی دارد (کامرون و لو، ۱۹۹۹: ۷۹).

۳- معرفی روند تشخیص استعاره دانشگاه وقی (MIPVU)

۳-۱- پیشینه و مبانی نظری

در دیدگاه سنتی، عمل تشخیص بسیاری از پدیده‌ها در علوم انسانی برگرفته از اصول روش‌شناختی و کمی نبوده است حال آنکه در علوم شناختی و علوم اجتماعی این موارد جزء اصول هستند اما موضوع علوم انسانی ماهیتی سنجشی و قابل سنجش ندارد (استین و دیگران، ۲۰۱۰: ۲). امروزه پیشرفت‌های چشمگیری در علوم انسانی رخ داده است که ریشه در تفکر بینارشته‌ای شدن علوم دارد. کارهای بینارشته‌ای انجام شده در علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم شناختی رو به افزایش است. از آنجایی که تمایلات بینارشته‌ای شدن در علوم انسانی مقبولیتی عام نیافته تفکرات شناختی به مسئله استعاره از یک سو و دیگر تفکرات مربوط به استعاره از سوی دیگر شکافی را بین این دو رویکرد ایجاد نموده است (همان: ۳). روش MIPVU^۵ در حقیقت سعی در پر کردن این شکاف و ارائه مدلی برای تشخیص استعاره است. تجزیه و تحلیل استعاره‌ها بدون داشتن

^۱ - A matter of mind

^۲ - Generic

^۳ - B. Wipf

^۴ - Linguistic metaphor

^۵ - Metaphor Identification Procedure VrijeUniversiteit

دیدگاهی تمایزی در خصوص ماهیت آنها کار سختی است، بیشتر مطالعات مربوط به استعاره‌ها فارغ از این مهم، تنها بررسی و تجزیه و تحلیل مفهومی آنها بوده است، البته نه اینکه این رویکرد الزاما اشتباه است بلکه این گونه تجزیه و تحلیل‌ها پاسخگوی همه نوع سوالات نیست و آن چنان که به نظر می‌رسد از شفافیت کافی برخوردار نیست. همان‌طور که نقدهای روش‌شناختی گوناگونی چون وروک^۱ و کندی^۲ (۱۹۹۶)، ریچی^۳ (۲۰۰۳) و (۲۰۰۴) و هسر^۴ (۲۰۰۵) مطرح شد به طور مثال ریچی (۲۰۰۳) بر اساس نظر لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) و کوچش (۲۰۱۰) استعاره مفهومی «مجادله جنگ است» را که در حیطه مکالمات کارایی دارد مورد نقد قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که حوزه مبدا این استعاره علاوه بر مجادله می‌تواند «شطرنج» نیز در نظر گرفته شود. همان‌طور که این مثال نشان می‌دهد در تفسیر و درک استعاره‌های مفهومی شدیداً بافت مقید هستیم. بر این اساس زبان‌شناسان دیگری نیز حتی زبان‌شناسان شناختی به تعدیل نظریات خود در خصوص استعاره مفهومی پرداختند. در رویکرد دستوری واژگانی با بهره‌گیری از داده‌های جمع‌آوری شده و پیکره‌های گوناگون استعاره‌های مورد استفاده در متون تحلیل و تفسیر شدند؛ به منظور دستیابی به روشی مطمئن و قابل اعتماد در تشخیص استعاره در پیکره‌های گوناگون متنی، در سال ۲۰۰۷ گروه پرگلجایز^۵ اقدام به معرفی روشی به نام «روند تشخیص استعاره (MIP)» نمودند. این روش حاصل شش سال کار گروهی ده متخصص استعاره یعنی لین کامرون، آلن سینکی^۶، پیتر کریسپ^۷، الینا سمینو^۸، آلیس دیگن^۹، ری گیسی^{۱۰}، جو گردی^{۱۱}، زولتان کووچش^{۱۲}، گراهام لو^{۱۳} و گرارد استین^{۱۴} است. این گروه با هدف ارائه روشی مطلوب، کارآمد و قابل اتکاء با رعایت کمیت‌های تجربی در مطالعات اجتماعی و مفهومی در علوم انسانی به دنبال پرکردن خلاء بین علوم انسانی، علوم شناختی و علوم اجتماعی بودند. MIP در حقیقت ابزاری برای تشخیص استعاره‌های زبان‌شناختی در گفتارهای طبیعی است که می‌تواند مورد استفاده زبان‌شناسان شناختی، زبان‌شناسان کاربردی، روان‌شناسان زبان، سبک‌شناسان، تحلیل‌گران گفتار و جامعه‌شناسان زبان قرار گیرد (استین و دیگران، ۲۰۱۰: ۴). به علاوه این روش ترکیبی از چندین رویکرد گوناگون به استعاره

¹-J.Vervaeke

²-J.M.Kennedy

³- D. Ritchie

⁴- V. Haser

⁵- Pragglezaz Group

⁶- A.Cienki

⁷- P. Crisp

⁸- E.Semino

⁹- A.Deignan

¹⁰- R.W. Gibbs

¹¹- J. Grady

¹²- Z.Kövecses

¹³- G. Low

¹⁴-G. Steen

می‌باشد (همان: ۱۸). این روش تنها به تشخیص استعاره‌های زبان‌شناختی، فارغ از توصیف‌های مفهومی زیربنایی و یا نگاشت‌های مفهومی [که باعث کاهش موثق بودن تحلیل‌ها می‌گردد] می‌پردازد (استین و دیگران، ۲۰۱۰: ۲۲). استین و گروهی از دانشجویان دوره دکتری دانشگاه وقی با استفاده از روش MIP اقدام به تحلیل چهار نوع متن مختلف (متون اخبار، مکالمات، ادبیات داستانی، گفتمان‌های علمی (دانشگاهی)) کردند و توانستند مراحل پیشنهادی روش MIP را مورد بازنگری قرار دهند، آن را اصلاح کنند و مواردی را بدان بیفزایند. حاصل کار آنها معرفی روش MIPVU گردید که در حقیقت بر پایه MIP است و چون این کارگروهی در دانشگاه وقی آمستردام صورت گرفت Vrije Universiteit را به روش MIP افزودند.

۳-۲- معرفی MIPVU

MIPVU، روشی است که با «اندازه‌گیری علمی» به تشخیص استعاره می‌پردازد. در حقیقت این روش ابزار سنجشی مناسب و کافی در تشخیص پدیده استعاره [...] را مهیا می‌سازد و می‌تواند پیش‌نیاز منطقی تحقیقات دیگر به شمار آید (استین و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۶). این رویکرد نسخه‌ای تعدیل‌یافته و بهینه شده نسخه MIP است. این رویکرد از نگاشت بین حوزه‌ای در ساختارهای مفهومی بهره می‌گیرد اما صرفاً به قالب‌های غیر مستقیم استناد نمی‌کند بلکه به مقوله‌های روشن و مستقیم این ساختارها می‌پردازد (همان: ۳۵). بر این اساس MIPVU به سنجش مفاهیم غیر مستقیم واحدهای واژگانی می‌پردازد و نه واژه‌های منفرد، در این رویکرد از قواعد کاملاً محکم پیروی می‌کند زیرا این تجزیه و تحلیل بر مبنای طبقات واژگانی است. همچنین در این رویکرد دستورالعملی برای انتخاب فرهنگ لغت وجود دارد و از میان فرهنگ‌های موجود در زبان آن فرهنگی مدنظر است که بر روی زبان معاصر تمرکز یافته است و دست آخر اینکه در این روش دقیقاً تمرکز بر روی خود زبان است و کشف یا تشخیص ساختارهای مفهومی و یا تبیین فرایندها و دستاوردهای شناختی مد نظر نیست (همانجا).

۳-۲-۱- مراحل کار

همانطور که در بخش پیشین گفته شد رویکرد MIPVU روش مناسبی برای تحلیل‌های زبان‌شناختی است بنابراین دستورالعمل آن باید به دقت رعایت شود تا نتیجه مطلوب اخذ گردد. در این روش تک تک واحدهای واژگانی تحلیل می‌شوند. در مقاله حاضر تنها واحدهای واژگانی که به نظر دارای زبانی مجازی هستند تحلیل می‌شود.

این روش شامل مراحل زیر است:

- ابتدا باید واحد واژگانی تعیین شود.

- با کمک فرهنگ لغت معنای اصلی و معنای بافتی لغت استخراج می‌شود.

- سپس این دو معنی مقایسه می‌شوند.

– اگر واحد واژگانی در معنای استعاری به کار گرفته شده باشد آن را مشخص می‌کنیم (همان: ۳۸) البته در این مرحله ممکن است ابهام‌هایی وجود داشته باشد (همان: ۳۳). شیوه پاسخ‌گویی در این‌گونه موارد با پاسخ «بله/خیر/نمی‌دانم» قابل بررسی است (همانجا).

پیکره‌بندی این پاسخ‌ها را می‌توان به سه طریق انجام داد:

– واژه‌هایی که استعاری هستند و آنها را با MRW^۱ مشخص می‌کنیم.

– دسته‌ای از واژگان هستند که در استعاره بودنشان شک داریم که آنها را با WIDLII^۲ مشخص می‌کنیم.

– دسته سوم شامل واژگانی می‌شوند که غیراستعاری هستند و آنها را با NMRW^۳ مشخص می‌کنیم.

– البته تمام موارد به آسانی قابل تشخیص نیستند و باید با رمزهای دقیق‌تری آنها را تعیین نمود. یکی از اساسی‌ترین این رمزها، رمز «غیرمستقیم»^۴ است. به این معنا که در این واژه به طور غیر مستقیم از استعاره استفاده شده است. بالعکس این رمز، رمز «مستقیم»^۵ است (همان: ۵۲). این دسته از استعاره‌ها را تشبیه^۶ می‌نامند که اغلب در ترکیب واژگانی از قبیل «مثل و شبیه» دیده می‌شود. در مواردی هم که از صنعت تشخیص^۷ استفاده شده باشد از درج کلمه تشخیص استفاده می‌کنیم.

– علاوه بر رمزهای فوق دو رمز دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد: یکی ضمنی^۸ و دیگری رمز MFlag (استعاره‌نشان^۹) است. در مواردی که به صورت ضمنی از استعاره استفاده شود از رمز ضمنی و زمانی که واحد واژگانی به واژه‌های استعاری ارجاع دهند نیز از رمز «استعاره‌نشان» استفاده می‌شود مانند، تصویر کشیدن، گویی، به مثابه و غیره. مواردی که غیرقابل تجزیه‌اند نیز با DFMA^{۱۰} نمایش داده می‌شوند بدین معنا که از روند تشخیص استعاره کنار گذاشته شوند (همان: ۴۷).

^۱- Metaphor related words

^۲- When In Doubt, Leave It In

^۳- Not metaphor related words

^۴- Indirect

^۵- Direct

^۶- Simile

^۷- Personification

^۸- Implicit

^۹- MFlag

^{۱۰}- DiscardedFrom Metaphor Analysis

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- معرفی پیکره و تجزیه و تحلیل آن

به منظور کارایی این روش در زبان فارسی و با توجه به محدودیت‌های موجود از میان متون مختلف زبان فارسی، متن ورزشی روزنامه انتخاب شد. ابتدا یک جمله از متن روزنامه، کلمه به کلمه طبق مراحل پیشنهادی روش MIPVU تحلیل و پس از آن تنها واژه‌های «دست، چشم و پا» فارغ از تجزیه و تحلیل جمله‌ای که در آن به کار رفته است بررسی شد.

او یک بازیکن چپ‌پا است			
او	واحد واژگانی	الف	
فرهنگ سخن: ضمیر شخصی منفصل، سوم شخص منفرد	۱		
لغت نامه دهخدا: مانند ۱	۲		
بله، معنای اصلی با معنای بافتی یکسان است.	۳		
بله، معنای بافتی با کمک معنای اصلی درک می‌شود.	۴		
NMRW	۵		
یک	واحد واژگانی	ب	
فرهنگ سخن: (ریاضی) واحد آغاز کننده اعداد صحیح.	۱		
لغت نامه دهخدا: مانند ۱	۲		
بله، معنای اصلی با معنای بافتی یکسان است.	۳		
بله، معنای بافتی با کمک معنای اصلی درک می‌شود.	۴		
NMRW	۵		
بازیکن	واحد واژگانی	پ	
فرهنگ سخن: (ورزش) آن که در بازی، فعالیت یا مسابقه ورزشی شرکت می‌کند	۱		
لغت نامه دهخدا: مانند ۱	۲		
بله، معنای اصلی با معنای بافتی یکسان است.	۳		
بله، معنای بافتی با کمک معنای اصلی درک می‌شود.	۴		

	NMRW	۵	
ت	چپ پا واژگانی	واحد واژگانی	
	فرهنگ سخن: ورزش) ویژگی ورزشکاری که تسلطش بیشتر بر روی پای چپ است و برای ضربه زدن به توپ از آن استفاده می کند.	۱	
	لغت نامه دهخدا: مانند ۱	۲	
	بله، معنای اصلی با معنای بافتی یکسان است.	۳	
	بله، معنای بافتی با کمک معنای اصلی درک می شود.	۴	
	NMRW	۵	
ث	است واژگانی	واحد واژگانی	
	فرهنگ سخن: فعل سوم شخص مفرد مضارع از مصدر فرضی «استیدن»	۱	
	لغت نامه دهخدا: مانند ۱	۲	
	بله، معنای اصلی با معنای بافتی یکسان است.	۳	
	بله، معنای بافتی با کمک معنای اصلی درک می شود.	۴	
	NMRW	۵	

در مثال فوق سعی شد تا بر اساس مراحل پیشنهادی MIPVU یک جمله از متن روزنامه ورزشی تحلیل شود. بر اساس جدول هیچ یک از واحدهای واژگانی به صورت استعاری استفاده نشده‌اند و دستیابی به این مهم تنها از طریق فرهنگ سخن و لغتنامه دهخدا صورت گرفته است و کاملاً قابل اتکاء و بهره‌برداری است. حال با توجه به محدودیتی که وجود دارد تنها به بررسی یک واحد واژگانی خاص می‌پردازیم تا موارد گوناگون دیگر را به محک آزمایش بگذاریم.

	فولاد در تکاپوی کسب عنوان قهرمانی است.		
الف	فولاد	واحد واژگانی	
	فرهنگ سخن: (مواد) آلیاژی از آهن با کمتر از دو درصد کربن، کمتر از یک درصد منگنز، و مقدار کمتری سیلیسیم، گوگرد، فسفر و اکسیژن که خواص مکانیکی آن متناسب با مقدار این عناصر تغییر می کند.	۱	
	لغت نامه دهخدا: مانند ۱	۲	

خیر، معنای اصلی با معنای بافتی یکسان نیست.	۳	
خیر، معنای بافتی با کمک معنای اصلی درک نمی‌شود. معنای بافتی انتزاعی‌تر از معنای اصلی است. در اینجا منظور از فولاد «تیم فوتبال فولاد خوزستان» است.	۴	
MRW، غیرمستقیم، امکان استفاده از صنعت تشخیص	۵	

یک سری مسائل دیگر از دست من خارج است		
دست	واحد واژگانی	الف
فرهنگ سخن: بخش انتهایی هریک از دو عضو طرفین بالاتنه انسان، پایین‌تر از مچ، شامل کف و پنج انگشت	۱	
فرهنگ سخن: در این فرهنگ در زیر سرمدخل دست و در معنای چهاردهم آن از دست به معنای قدرت و اختیار ذکر شده است	۲	
خیر، معنای اصلی با معنای بافتی یکسان نیست.	۳	
خیر، معنای بافتی با کمک معنای اصلی درک نمی‌شود. معنای بافتی انتزاعی‌تر از معنای اصلی است.	۴	
MRW، غیرمستقیم،	۵	

ابومسلم این بازی را به چشم یک دیدار تدارکاتی و به قصد خودشناسی انتخاب کرده بود.		
چشم	واحد واژگانی	الف
فرهنگ سخن: اندام حسی بینایی	۱	
فرهنگ سخن: در این فرهنگ در زیر سرمدخل چشم و در معنای سوم آن از دست به معنای نظر ذکر شده است	۲	
خیر، معنای اصلی با معنای بافتی یکسان نیست.	۳	
بله، معنای بافتی با کمک معنای اصلی درک می‌شود. معنای بافتی انتزاعی‌تر از معنای اصلی است.	۴	
NMRW، تشبیه،	۵	

۵- جمع‌بندی

یکی از اهداف معرفی این روش در حقیقت ارائه روشی قابل اعتماد، علمی و فارغ از حدس و گمان برای تشخیص استعاره است و در حقیقت با این روش خلاء روش شناختی که در استعاره‌های مفهومی به واسطه تفسیرهای گوناگون وجود دارد حذف و یا به حداقل می‌رسد و در حقیقت شکاف میان علوم اجتماعی، علوم شناختی و علوم انسانی با کمیت‌های تجربی پر می‌شود. اما نقاط ضعفی هم در این روش وجود دارد که می‌توان به اختصار آنها را برشمرد. از آنجایی که این روش اتکاء فراوانی به فرهنگ لغت دارد، یافتن تمامی معانی لغات در فرهنگ لغت، عملی غیرممکن است. در مرحله اول این روش یعنی انتخاب واحد واژگانی با مواردی روبرو می‌شویم از قبیل اصطلاحات، افعال دوکلمه‌ای، حروف ربط چند جزئی و ... که کار انتخاب واژگان را کمی مشکل می‌کند. به طور مثال، در مواجهه با اصطلاح «کاسه‌ای زیر نیم کاسه است»، آیا باید معنای اصطلاحی این اصطلاح را در نظر گرفت یا باید به تقطیع کلمه به کلمه این اصطلاح دست زد؟ حال اگر به تقطیع جزء به جزء این اصطلاح هم مبادرت ورزیم چگونه می‌توانیم معنای ضمنی کلمه «کاسه» را در فرهنگ لغت بیابیم؟ در حقیقت تشخیص معنای بافتی کلمات آن هم صرفاً با استفاده از فرهنگ لغت به نظر کاری بس مشکل است اما می‌توان با استفاده از یافته‌های زبان‌شناسی شناختی که مسائلی مانند فرهنگ، بافت، جامعه و ... را حائز اهمیت می‌داند و به علاوه با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های مفهومی مواردی را که MIPVU از عهده تحلیل آن بر نمی‌آید تحلیل کرد. در حین تجزیه و تحلیل نمونه‌های فارسی با مواردی مواجه شدیم که باز مشکل نبودن یک پیکره زبانی قدرتمند و نبود فرهنگ‌های یک زبانه فارسی برخط (آنلاین) را یادآور می‌شد، از آنجایی که اساس کار این روش مبتنی بر وجود پیکره زبانی و فرهنگ لغت برخط [در این روش تاکید بیشتر بر به روز بودن فرهنگ و درج واژگان جدید در زبان است. ارائه‌کنندگان این روش خود از سه فرهنگ برخط مک میلیون^۱، لانگمن^۲ و آکسفورد^۳ استفاده نموده‌اند] می‌باشد، متأسفانه زبان فارسی فاقد این منابع ارزشمند است و همین امر کارایی و توانمندی این روش را در زبان فارسی نمی‌تواند به درستی نشان دهد.

^۱- Macmillan Online Dictionary. <http://www.macmillandictionary.com>.

^۲- Longman Online Dictionary. <http://www.ldoceonline.com>.

^۳- Oxford English Online Dictionary. <http://www.oxforddictionaries.com>.

منابع

- انوری، ح. (۱۳۸۲) فرهنگ فشرده سخن فارسی، تهران: انتشارات سخن
- Cameron, L. and G. Low (1999). "Metaphor". *Language Teaching*, 32, 77-96.
- Gibbs, R.W.Jr. (2008). *The Cambridge handbook of metaphor and thought*. New York: Cambridge University Press.
- Haser V. (2005) *Metaphor, Metonymy, and Experientialist Philosophy: Challenging Cognitive Semantics*. Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- Kövecses, Z. (2010) *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Lakoff, G. and Mark J. (2003). *Metaphors we live by*. Chicago and London: The University of Chicago Press.
- Ortony, A. (1979/1993). *Metaphor and thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pragglejaz Group (2007). MIP: "A Method for Identifying Metaphorically used Words Indiscourse". *Metaphor and Symbol*, 22(1), 1-39.
- Ritchie, D. (2003). "Argument Is War—or is it a game of chess? Multiple meanings in the analysis of implicit metaphors". *Metaphor and Symbol*, 18, 125–146.
- (2004). Common Ground in Metaphor Theory: Continuing the Conversation. *Metaphor and Symbol*, 19, 233–244.
- Steen, G.J., A.G. Dorst, J.B. Herrmann, A.A. Kaal, T. Krennmayr and T. Pasma (2010). *Linguistic Metaphor Identification in Natural Discourse: A Casebook*. Amsterdam: John Benjamins.
- Vervaeke, J. and Kennedy, J.M. (1996). Metaphors in language and thought: Disproof and multiple meanings. *Metaphor and Symbolic Activity*, 11, 273-284.
- Wipf, B. (2010), *Wine Writing Meets MIPVU: Linguistic Metaphor Identification of Tasting Notes*. M.A. dissertation in Metaphor Studies, VU University Amsterdam (unpublished).